



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۰/۱۶

نویسنده: ن. جلیل زاد

پاکستان پروژه است ، کشور نیست

پاکستان پروژه است ، کشور نیست
پاکستان ، پروژه ای ژئوپلیتیکی بدون بنیان تاریخی
تحلیلی بر ساختار بحران ساز یک دولت نظامیگر و نظامی محور
پاکستان، برخلاف بسیاری از دولت های ملی، نه از دل تاریخ، بلکه از دل هندسه ای سیاسی استعمار بریتانیا زاده شد .
این قلم با شیوه ای تحلیلی و دیپلماتیک، به بررسی ماهیت پروژه ای این کشور، ساختار نظامی گرای آن، و نقش مخربش در بی ثبات سازی منطقه جنوب آسیا می پردازد .
با تمرکز بر استخبارات، تروریسم نیابتی، بحران هویت، و دیپلماسی بحران ساز، نشان داده می شود که پاکستان بیش از آن که یک کشور باشد، یک پروژه و یک ابزار ژئوپلیتیکی است که در خدمت منافع قدرت های فرامنطقه ای عمل می کند.
تولد یک دولت بدون تاریخ، پاکستان در سال ۱۹۴۷، نه بر اساس یک تمدن مستقل، بلکه به عنوان محصول تقسیم استعماری شبه قاره هند پدید آمد .
برخلاف ملت هایی که از دل تاریخ، زبان، فرهنگ و حافظه ای جمعی شکل می گیرند، پاکستان فاقد چنین بنیانی بود .
این خلأ هویتی، زمینه ساز بحران های سیاسی، قومی، و ایدئولوژیک شد که تا امروز ادامه دارد.
نظامی گرایی به مثابه ستون فقرات دولت
از نخستین سال های تجزیه و جدایی از هند ، ارتش پاکستان به جای نهادهای مدنی، نقش محوری در سیاست ایفا کرد .
کودتاهای مکرر، حکومت های نظامی، و نفوذ بی حد و مرز ارتش در اقتصاد، رسانه، و دیپلماسی، نشان دهنده ای ساختار دولت نظامی قاتل و بی رحم است .
در چنین ساختاری، امنیت جای توسعه را می گیرد، و منطق نظامی بر منطق مدنی غلبه می یابد.
استخبارات و دولت پنهان
سازمان اطلاعات نظامی پاکستان (ISI) نه تنها در داخل کشور، بلکه در سیاست خارجی نیز نقش تعیین کننده دارد .
این نهاد با حمایت از گروه های تروریستی، ترور نخبگان، و مهندسی بحران های منطقه ای، به یک دولت پنهان تبدیل شده است که فراتر از قانون عمل می کند .
نقش ISI در حمایت از اخوانی ها ، جهادی ها ، طالبان، لشکر طیبه، و جیش محمد، نمونه هایی از این عملکرد هستند.
تروریسم نیابتی و ژئوپلیتیک آشوب، پاکستان از تروریسم به عنوان ابزار فشار ژئوپلیتیکی استفاده کرده است . از افغانستان تا کشمیر، این کشور با حمایت از گروه های افراطی، بی ثباتی را به عنوان ستراتیژی منطقه ای برگزیده است .
چنین سیاستی نه تنها امنیت همسایگان، بلکه ثبات جهانی را تهدید می کند.
بحران هویت و شکست ملت سازی
پاکستان هرگز نتوانست پروژه ملت سازی را به سرانجام برساند . زبان اردو به جای زبان های بومی تحمیل شد، تاریخ تحریف گردید، و هویت ملی بر اساس نفی دیگری (هند، افغانستان، ایران) شکل گرفت . این بحران هویتی، زمینه ساز تنش های قومی، جدایی طلبی، و بی اعتمادی داخلی شد.
دیپلماسی بحران ساز و اتحاد های متناقض، سیاست خارجی پاکستان بر اساس فرصت طلبی و بحران سازی بنا شده است . از نزدیکی با چین توده بی تا اتحاد با عربستان و آمریکا، این کشور فاقد اصول ثابت در دیپلماسی است .
تحریک در کشمیر، حمایت از طالبان، و دخالت در امور داخلی افغانستان، نمونه هایی از دیپلماسی بحران ساز هستند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالېږلو مخکې په ځير و لولئ

اقتصاد وابسته و ناکارآمد، اقتصاد پاکستان به کمک‌های خارجی، وام‌های بین‌المللی، و حمایت‌های سیاسی وابسته است. فقدان زیرساخت تولیدی، فساد گسترده، و نظامی‌سازی اقتصاد، مانع توسعه پایدار شده‌اند. این وابستگی، استقلال سیاسی را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است.

نقش مخرب در افغانستان

پاکستان با حمایت از طالبان، ترور نخبگان، و تخریب زیرساخت‌ها، مانع ثبات افغانستان شده است. این کشور به جای همکاری منطقه‌ای، استعمار نوین را در همسایگی اعمال کرده و از افغانستان به‌عنوان عمق استراتژیک خود بهره‌برداری کرده است.

تبعیض قومی و ساختار پنجابی‌محور

قدرت در پاکستان در انحصار قوم پنجابی است. پشتون‌ها، بلوچ‌ها، سندی‌ها و مهاجران، همواره با تبعیض، سرکوب، و حذف مواجه بوده‌اند. این ساختار قومی، مانع شکل‌گیری همبستگی ملی و عامل بحران‌های داخلی شده است. اسلام سیاسی و ایدئولوژی کنترل

پاکستان اسلام را نه به‌عنوان فرهنگ، بلکه به‌عنوان ابزار ایدئولوژیک برای کنترل جامعه به‌کار گرفته است. مدارس دینی افراطی، قوانین شریعت‌محور، و سرکوب آزادی‌های مدنی، نشان‌دهنده‌ای استفاده ابزاری از دین در خدمت نظامی‌گری و ایدئولوژی دولتی هستند.

انکار تاریخ و جعل روایت

تاریخ نگاری رسمی پاکستان پر از تحریف، حذف، و جعل است. تمدن سند نادیده گرفته شده، شخصیت‌های تاریخی مصادره شده‌اند، و روایت‌های جعلی جایگزین حافظه‌ی تاریخی شده‌اند.

این انکار، مانع آشتی ملی و گفت‌وگوی منطقه‌ای شده است.

بحران مشروعیت و سرکوب مدنی

دولت‌های پاکستان همواره با بحران مشروعیت مواجه بوده‌اند.

تقلب انتخاباتی، سرکوب رسانه‌ها، و بازداشت فعالان مدنی، نشان‌دهنده‌ی فقدان دموکراسی واقعی است.

در چنین فضایی، اعتماد عمومی به نهادهای سیاسی از بین رفته است.

تهدیدی برای صلح منطقه‌ای

پاکستان نه‌تنها برای همسایگان، بلکه برای کل منطقه جنوب آسیا تهدیدی امنیتی، فرهنگی و سیاسی محسوب می‌شود. این کشور با سیاست‌های بحران‌ساز، مانع همکاری‌های منطقه‌ای، توسعه پایدار، و صلح بلندمدت شده است.

مسئولیت جامعه جهانی

جامعه جهانی باید پاکستان را نه به‌عنوان یک دولت ملی، بلکه به‌عنوان پروژه‌ای بحران‌ساز مورد بررسی قرار دهد. حمایت‌های بی‌قید و شرط، چشم‌پوشی از تروریسم نیابتی، و نادیده‌گرفتن بحران‌های داخلی، تنها به تداوم بی‌ثباتی منجر خواهد شد.

حرف‌های آخر

بازنگری در مفهوم دولت

پاکستان نمونه‌ای از دولتی است که نه از دل تاریخ، بلکه از دل منافع ژئوپلیتیکی زاده شده است.

برای رسیدن به صلح پایدار در جنوب آسیا، باید در مفهوم دولت، مشروعیت، و امنیت بازنگری کرد.

تنها با افشای ساختارهای پنهان، نقد روایت‌های جعلی، و حمایت از ملت‌های واقعی، می‌توان آینده‌ای عادلانه‌تر و باثبات‌تر رقم زد.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد